

## تفسیر لطایف قرآن (لطایف التفسیر)

گزیده‌ای کهن از کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار رشیدالدین میبیدی

\* حسین مسرت \*

\* پیام شمس‌الدینی \*

### چکیده

تفسیر لطائف قرآن - یا آن‌گونه که در فهرست‌ها آمده است لطائف‌التفسیر<sup>۱</sup> - گزیده کهنی است از کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار رشیدالدین میبیدی. این گزیده در قرن هشتم هجری قمری به قلم عبدالحی بن محمد بن محمد جامی نگاشته شده است.<sup>۲</sup> تاکنون تنها دو نسخه از این گزیده یافت شده است: نسخه نخست در کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای اسلامی (سنای سابق) نگهداری می‌شود و نسخه دیگر در کتابخانه حمیدیة استانبول.

عبدالحی بن محمد بن محمد جامی، مؤلفی ناشناخته از دیار تربت شیخ احمد جام است که تاکنون نام و نشانی از او به دست نیامده است.<sup>۳</sup> همین قدر از او می‌دانیم که در یک شنبه ۲۷ شعبان ۷۶۱ ه. ق تحریر کتابی را به پایان برده که اکنون کهن‌ترین گزیده کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار میبیدی به شمار می‌آید.

کلید واژه: لطائف التفسیر، عبدالحی بن محمد بن محمد جامی، کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار.

### اهمیت تفسیر لطائف

برترین ویژگی تفسیر لطائف در این است که نخستین گزیده شناخته شده کشف‌الاسرار است. عبدالحی جامی در تألیف کتاب خود نسخه‌ای از کشف‌الاسرار را در اختیار داشته

\* پژوهشگر متون ادبی. \* \* پژوهشگر متون ادبی.

\* پژوهشگر و محقق متون ادبی و تاریخی.

که پیش از ۷۶۱ ه. ق (زمان تألیف لطائف) استنساخ شده بوده است. اگر نسخه‌های موجود کشف الاسرار را در نظر بیاوریم، متوجه می‌شویم از میان بیش از پنجاه نسخه‌ای که به گونه‌ای اطلاعی از آنها در دست است، تنها بیست نسخه - آن هم بعضاً ناقص - متعلق به سالهای پیش از ۷۶۱ ق هستند و این مزیتی است چشمگیر برای تفسیر لطائف در امر تصحیح مجدد کشف الاسرار. تفسیر لطائف گزیده‌ای است کامل که نزدیک به یک پنجم از کشف را در بر دارد.

نکته دیگر در اهمیت تفسیر لطائف در این است که با توجه به جامی بودن مؤلف، می‌توان گفت تألیف آن در محیط فرهنگی خراسان و نزدیک به محیط اصلی تألیف کشف صورت گرفته است و چه بسا از این جهت کمتر از سایر نسخ کشف در معرض دگرگونی‌های زبانی قرار گرفته باشد.

برای مثال می‌توان موردی را یادآور شد: در کشف الاسرار چاپی (ج ۷، ص ۳۳۴) ذیل سوره قصص، بیتی هست که به گونه خوانده نشده، چاپ شده است، اما صورت درست آن بیت را در نسخه لطائف می‌بینیم

گر نه جهت تو بودی ای درّ خوشاب! آدم نزدی دمی درین کوی خراب  
این ضبط، اختلاف چشمگیری با نسخه چاپی دارد و نشان دهنده این است که نسخه‌ای از کشف در اختیار عبدالحی جامی بوده که اکنون نشانی از آن در دست نیست. حال آنکه بسیار به نسخه توقفاپوسرای استانبول که حکمت در پاورقی متن چاپی با رمز «ج» از آن یاد کرده، نزدیک است.

لطائف از جهت محتوی نیز ویژگی‌های غیرقابل انکاری دارد؛ نخست: تفسیری است عارفانه از قرآن و گنجینه‌ای است از اعتقادات عارفان و متصوفه. مؤلف از یک سو نوبت سوم کشف را تلخیص و پالایش کرده است و از سویی دقایق و گفتارهای بدیع عرفانی را از عرفای ناموری چون شبلی و جنید و حلاج آورده است. خود نیز ظاهراً از صوفیان بوده است و در تکمیل و غنا بخشیدن به تألیفش منابع دیگری را به کار برده است.

دو دیگر: لطائف و جُنکی است از ادبیات فارسی، شامل اشعار شاعران مشهور و مهجور سده هشتم هجری قمری. در این کتاب، قطعات، رباعیات، غزلیات و مثنوی‌هایی دیده می‌شود که پژوهش در آنها نیز راهگشای تصحیح دیوان تنی چند از شاعران خواهد بود. به عنوان مثال، به اعتبار قدمت می‌تواند منبع خوبی برای تصحیح

دیوان سنایی باشد. در موارد متعددی شواهدی از بوستان و خمسة نظامی نیز یاد شده است. از میان رباعیات بسیار کتاب، یک رباعی از رشید و طواط (متوفی ۵۷۳ ه. ق) نیز دیده می‌شود.

### شیوه جامی در نگارش لطائف

عبدالحی جامی در تدوین تفسیر لطائف تنها گزیده‌ای از کشف را ارائه نداده است، بلکه با افزوده‌هایی از خویش صورت تألیف گونه‌ای بدان بخشیده است. این تألیف از الگوی تکرار شونده‌ای در هر فصل تبعیت می‌کند. آن الگو چنین است: مؤلف ابتدا با ذکر عبارت «فصل فی قوله تعالی» بخشی یا بعضاً تمام آیه‌ای از قرآن را می‌آورد. به عنوان مثال در نخستین عنوان تفسیر آمده است: «فصل فی معانی التسمیة». سپس حدیثی مرتبط با آن آیه از قرآن را ذکر می‌کند. پس از آن مناجاتی مسجع و گاه منظوم می‌آورد با عنوان «المناجاة الرحمانیة». سپس با عنوان «ثناء التبیوة» به ستایش پیامبر می‌پردازد. پس از این به بدنه اصلی هر فصل می‌رسیم که تفسیر عارفانه‌ای است از قرآن با استفاده از اشعار و امثال فارسی و عربی. مؤلف در این بخش، کلمات و حکایاتی متناسب به بزرگان دین و عرفان نیز آورده است. البته بخش عمده این تفسیر همان منتخبانی است که از نوبت سوم کشف شده. در این منتخب از نوبت اول نشانی نیست و از نوبت دوم به جز عباراتی کوتاه چشم‌پوشی شده است.

پیشنهاد تصحیح و چاپ این کتاب در ایام تهیه و تدارک مقدمات برگزاری کنگره بزرگداشت ابوالفضل رشیدالدین میبیدی در بهار ۱۳۷۴ از سوی استاد نجیب مایل هروی به حسین مسرت، یکی از کوشندگان، توصیه شد. پس با به دست آوردن نسخه‌ای از آن این کوشش ده ساله آغاز گردید. چاپ منتخبی از لطائف التفسیر و سپس چاپ متن کامل آن در دستور کار کنگره قرار گرفت. آن منتخب به تصحیح و گزینش حسین مسرت مراحل استنساخ، مقابله با کشف الاسرار، تصحیح، حروفچینی و ویراستاری را از سر گذراند و سرانجام به پیشنهاد دکتر نصرالله پورجوادی به سلسله انتشارات مرکز نشر دانشگاهی انتقال یافت. اما در این اثنا نسخه دیگری از این کتاب ارزشمند که پیش از این شناسایی شده بود (نگاه کنید به کتابشناسی میبیدی) یعنی همان نسخه محفوظ در کتابخانه حمیدیه استانبول نیز به لطف دکتر پورجوادی به دست نگارندگان رسید و از ۲۵ مهر ۱۳۸۳ تصحیح کامل کتاب براساس دو نسخه آغاز شد.

## نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی

نخستین نسخه یافت شده تفسیر لطائف که قدیمی ترین نسخه آن نیز هست و در تصحیح ما - با رمز «س» - نسخه اساس قرار گرفته، هم اکنون در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۲ (مجلس سنای سابق) با شماره ۱۴۱۵ نگهداری می شود. کتاب ۳۹۴ برگ و هر برگ ۳۵ سطر دارد. ابعاد آن ۱۵ × ۲۴ سانتی متر است و خط آن به نسخی کم نقطه و دشوار خوان. ترقیم اصلی کتاب چنین است:

تم الكتاب بعون الملك الوهاب

والحمد لله رب العالمين و الصلوة على محمد و آله أجمعين

سعی عبدالحی بن محمد بن محمد الجامی فرغ منه

سلخ<sup>۴</sup> يوم الأحد السابع والعشرين من شعبان

سنة احدى و ستين سبعة

و پس از آن پراکنده‌هایی در ده صفحه به نظم و نثر از بزرگان به قلم چند نفر بجز کاتب نسخه آمده است: جهت بستن تب؛ غزلیاتی از شیخ عمادالدین الفقیه الکرمانی، در چهار صفحه؛ غزلی از «عصار»؛ «آیه الکرسی را سید آیات چرا می خوانند»، از کلمات استاد عبدالغفار الزنجانی؛ و سرانجام فصلی در تیس. مطالب درج شده از فراغ عبدالحی جامی تا این موضع به خطی دیگر است و پس از این فراغی دیگر با خط شخصی دیگر آمده:

قد كتب هذا الكتاب المسمى بلطائف التفسير، العبد الفقير و المعترف و التقصير،

[...]، مفارق الوطن و راكب المحن، حسين بن علي، أبصر [ه] الله بعيوب نفسه، قبل أن

يذيقه الإمام من كأسه، [...]، برسم خزنة عمدة الأعلی و الأكابر [...] الأمير بوميد (؟)

بطرزون [...] وقع ابتداء الكتابة في سبع بقين من الرجب المرجب و ختم في سبع

محرم الحرام في ۹۸۰ ببلدة أرض روم - حماه الله تعالى أهله عن الآفات و الهموم.

و پس از آن خطبه‌ای دعایی به ترکی آورده است. از آن پس در دو صفحه پایانی

کتاب، مطالبی دیگر با خطی دیگر آمده:

مأمول از مکارم اخلاق ناظران نافذ البصيرة و ملتمس از مراسم اشفاق مطالعه کنندگان

صادق العقیده آنکه چون این اوراق کتاب شریف و اجزای این خطاب لطیف در نظر

آرند و همت عالی نهمت بر مطالعه آن گمارند، باعث<sup>۵</sup> این جمع و ترتیب را بر

گوشه خاطر عاطر بگذرانند و [...]

مطالب فوق را اشعاری به فارسی و عربی دنبال می‌کنند که غالباً نسخه‌نویسان در پایان نسخه‌های خود می‌نوشته‌اند و آخرین مطلب با این خط، نقل قولی است از کتاب ابن الوقار البخاری که با رقم «حسین الواعظ» (ظاهراً حسین واعظ کاشفی) به پایان رسیده است.

علاوه بر این، در حاشیه‌های کتاب، اشعار مختلفی از شاعرانی چون همام الدین تبریزی و عراقی نیز آمده است. بخشی از کتاب نیز افتادگی داشته که بعداً با خطی به مراتب نیکوتر نونویسی شده است. این افتادگی از ابتدای سوره انعام آغاز می‌شود در هامش برگ قبلی یادداشتی چنین آمده است:

بدأ بالمطالعة من هذه السورة الشريفة الحقيير الفقير محمد بن يوسف المدرّس في يوم الاثنين الخامس والعشرين من شهر رمضان معتكفاً في جامع جعفر افندی المرحوم لسنة احدى وسبعين و الف - اللهم يسّر لنا تكميلها.

این افتادگی تا پایان سوره رعد ادامه می‌یابد. در این بخش از نسخه، حاشیه‌های یاد شده وجود ندارد و تنها در مواضعی اندک با خطی شبیه به ترقیم حسین بن علی، عنوانهای مطالب نگاشته شده است.

در پایان امر تصحیح لطائف و هنگام مقابله با کشف الاسرار جهت نشان دادن موارد یکسانی یا غیر آن، مشخص شد که نسخه «س» بسیار به کشف الاسرار نزدیکتر است. ظواهر این نسخه حاکی از آن است که در کانون نسخه‌برداری دانشوران تهیه شده است و همچنان دست به دست می‌چرخیده است. علاوه بر آگاهی‌های یاد شده، کتاب زمانی در تملک عبدالفتاح بیک و حسین الحسینی بوده است.

#### نسخه حمیدیه

نسخه دوم تفسیر لطائف که در کتابخانه حمیدیه استانبول نگهداری می‌شود و ما از آن با رمز «ح» یاد می‌کنیم، تاکنون ناشناخته بوده است. یکی به این دلیل که فهرست‌نگار کتابخانه حمیدیه، فردی به نام سلیمان بن ابراهیم نجفی (متوفی ۱۱۱۹ ه. ق) را بدون هیچ دلیلی مؤلف کتاب دانسته و دیگر آنکه استوری به نقل از ریترو و پس از او عباس اقبال، همگی، یا بدون مطالعه دقیق کتاب و یا با در هم کردن مشخصات چند مدخل، نشانی‌های نادرستی از کتاب گزارش کرده‌اند.<sup>۶</sup>

نسخه حمیدیه که تصویر آن به لطف دکتر پورجوادی به دست کوشندگان رسیده

است، ۵۷۸ برگ دارد و هر برگ آن ۲۴ سطر. خط نسخ نسبتاً خوانایی دارد و نیمه مشکول است. در این نسخه، برخی تصرّفات راه یافته است، مانند: افزودن لوح‌های فصل‌بندی و معرّفی اشعار یا تغییر القاب و ادعیه.<sup>۷</sup> اشعار متون عربی لطایف غالباً در این نسخه حذف شده است. در نسخه حمیدیه پس از اتمام مطالب لطائف از فراغ عبدالحی جامی خبری نیست و به جای آن بخشی دارد با عنوان «فراغ عتیق» که در آن نگارش کتاب را به علاءالدوله والدین (شاید علاءالدوله سمنانی) نسبت داده است.

قد وقع الفراغ من تحریر کتاب تفسیر الطایف، المشحون بالأسرار و المعارف، من تألیفات مولی الموالی، صدرالأعالی، علاءالدوله والدین [...]

علاوه بر این، ادعا شده است اصل کتاب که به سبب سرعت کتابت مؤلف مشوش گردیده، در اختیار کاتب بوده است. کاتب این فراغ، خود را حسین بن علی معرّفی می‌کند و می‌گوید نسخه را در ۶ محرم ۹۸۰ ه. ق به امر فخرالامراء عمر نگاشته است. پس از آن بخشی از مطلبی را که در نسخه سنا به خط حسین بن علی بود، در نسخه خود گنجانده است. این فراغ با ادعیه‌ای که حاکی از سنی بودن کاتب آن است، به پایان می‌رسد. حال آنکه در فراغ نسخه سنا اشارات صریحی موجود است بر شیعه بودن حسین بن علی.

در نسخه حمیدیه پس از «فراغ عتیق» به فراغ دیگری برمی‌خوریم با عنوان «ثم الفراغ من بعد» که با تتر و نظمی بسیار سخیف و مهمل نگاشته شده است. این فراغ که در یک شنبه آخر ایام بیض سال هزار و...؟ به دست احمد بن محمد آغاز شده و در اواسط محرم ۱۰۱۹ ه. ق به پایان رسیده، از آن کاتب اصلی نسخه است. کاتب در آن از نداشتن کاغذ و سرما و گرمای محل زندگی‌اش نالیده و سلطان محمد نامی را دعاگویی کرده است. در ابتدای نسخه دو یادداشت دیده می‌شود: نخستین از کاتب که ابتدای کتابت تفسیر لطائف را شنبه ۱۱ صفر ۱۰۱۸ ه. ق عنوان کرده، و دیگری از محمد حلبی‌زاده قاضی که در قسطنطنیه کتاب را تصاحب کرده است. آثار مهر شش گوش او در صفحات کتاب نیز دیده می‌شود:

وقف المولی محمد بن حسام الدین الشهیر بقره حلبی‌زاده المنفصل عن قضاء عساکر روم [...] علی اولاده ثم علی اولاد اولاده ثم و [...] علی العلماء القادرین علی مطالعه ۱۰۳۸.

آثار مهرگرد دیگری نیز در کتاب دیده می‌شود که از آن حمید پاشاست:

## وقف هذالکتاب خلیل حمید پاشا بشرط ان لایخرج من خزانتہ ۱۱۹۷

با توجه به جمیع شواهد یاد شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر نسخه کتابخانه سنای سابق همان نسخه مؤلف نباشد، دست کم بدون واسطه از آن رونویسی شده است. سپس در تاریخی پس از آن افتادگی آن ترمیم شده است و در سالیانی پس از آن ترقیم نسخه دیگری از کتاب که توسط حسین بن علی و از روی مسوّد مؤلف نگاشته شده بوده است، به پایان آن افزوده شده. این نسخه زمانی در کتابخانه‌های آسیای صغیر چرخیده و سرانجام به کتابخانه سنای سابق رسیده است. نسخه پاکنویس شده حسین بن علی از روی متن اصلی تفسیر لطائف نیز توسط کاتب دیگری در آسیای صغیر رونویسی شده و در خزانه پاشاهای عثمانی مانده تا به دست خلیل حمید پاشا رسیده است. طی این مراحل، نام عبدالحی جامی - که از دیار روم نبوده است - حذف و کتاب به علاءالدوله نامی منتسب شده و تشیع کاتب نیز در آن پنهان شده است. همه این دانسته‌ها کوشندگان را بر آن داشت تا از نسخه «س» - سنای سابق - به عنوان نسخه اساس استفاده کنند و اختلافات قابل تأمل آن با نسخه «ح» - حمیدیه - را در حاشیه بیاورند. از کشف الاسرار چایی - با رمز «ک» - نیز به عنوان مرجع کمکی استفاده شده است.

### پی‌نوشتها:

۱. در بحث راجع به نام کتاب، به نظر می‌رسد تفسیر لطائف صحیح باشد، نه لطائف التفسیر. یکی به دلیل اینکه در تمامی سرفصل‌های کتاب آمده است «تفسیر لطائف سورة فلان» و دیگر اینکه در ترقیم‌ها، فراغ‌ها و سایر یادداشت‌هایی که بر کتاب نوشته شده است، از کتاب با عنوان تفسیر لطائف یاد شده است.
۲. برای آگاهی از دیگر گزیده‌های کشف الاسرار، اعم از تاریخی و معاصر، ر. ک: کتابشناسی ابوالفضل رشیدالدین میدی (تحلیلی - توصیفی)، پژوهش و نگارش: حسین مسرت.
۳. مرحوم دکتر علی فاضل، که در احوال و آثار خاندان جامی و جامی تباران پژوهش می‌کردند، نیز از چنین شخصیتی شناختی نداشتند.
۴. در اصل: صلخ.
۵. بالای کلمه اصلاح شده: کاتب.
۶. علی‌رغم آنچه که در کتاب ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری آمده است، هم آگاهی‌هایی درباره کاتب و مؤلف در کتاب هست و هم کتاب، نسخه چرکنویس مؤلف نیست.
۷. به نظر می‌رسد که کاتب نسخه حمیدیه علاوه بر مواردی که بیان شد، از زبان و ادب فارسی نیز بهره‌چندانی نبرده بوده است. او هر جا که به واژه دشواری رسیده، آن را نقاشی کرده، یا بندها و عبارتهای بلندی را حذف نموده است.

## منابع

- افشار، ایرج، کتابشناسی فهرستهای نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های دنیا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.
- برگل، یو.ا.، ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه یحیی آرین‌پور و دیگران، تحریر: احمد منزوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.
- جلالی پندری، یداء...، زبان اهل اشارت، تهران: انتشارات یزد، با همکاری کنگره بزرگداشت ابوالفضل رشیدالدین میبدی، ۱۳۷۴.
- حکمت، علی‌اصغر، کشف الاسرار وعدة الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدا... انصاری، تألیف ابوالفضل رشیدالدین میبدی، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱، ۱۰ ج.
- دانش پژوه، محمدتقی و بهاء‌الدین علمی انواری، فهرست کتابهای خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۲ (سنای سابق)، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۲ ج.
- دانش پژوه، محمدتقی، فهرست میکروفیلیمهای کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۳ ج.
- مسرت، حسین، کتابشناسی ابوالفضل رشیدالدین میبدی، (تحلیلی - توصیفی)، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴.





### بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

لطایف فائز الکتاب فصل فی مسأله التیبه فان سؤالی من سأل عن مسأله کل امرئ ذی مال لم یجد یوم  
 فدا من العاجل الرغایه ای مجبور شاهان و ایام مسجود و پادشاهان و ایام فریاد بر سر ضعیفان  
 و ایام دستگیر گنجان و ایام منقذ همت بلندین و معصوم و دل نیازندان و ایام پزشتار هر بدرفتار  
 و ایام ابر زنده هر گشتکاری بیت آمد بدرت گناه کار به محنت زوده و اقمید و ایام از کرده خود  
 سیاه روین و وز کنته خویش بر ساریه شاید ز در تو باز کرده و مردم چینی نمید و ایام اینها  
 را با کشتی اجل ثنا جان ننگ قدرت فرو برده و یکی بسا جل جنان رسیده و ایام در ایام جان  
 معذرت در بابیه و جلال تو فرو شده و یکی بکعبه مراد رسیده بیت ای کار بود لانت از تو جان  
 فریاد ما شناخت بر آسمان رسیده و عشف نسا چه خوانیم کرمه هر ناؤ که بر سر چشم تو راست کرده  
 از پوست در که رشته ما استخوان رسیده با بخرمت مقرران در کاهنته و بطنکت و اصلان صفت بارگاه  
 که بر کاتبیت بینات و اسرار اعدای پدید آید و هر روز کار کانی مصلی و ستاد در سلسله شریفان  
 و لطایف قنات و کتب فواید کائنات و منبع سعادت و صد بخش اعنیاه و مصلحتی با و اصلگر  
 دان و صلیت عدی سلم و اربع چهار اخبار و مفاهر دین و مختار صلوات و سلم و بنسب شیم غرار  
 دارالقرآن سوده دار عظمی است و ایام رت و عطایای مغزت تا گردن با محرمت روزگان راه  
 تختت و آیدگان یاتین من کل فی حق یقین که شایان شرفی و منار باره با حصول مطالب شایسته و  
 عشایر خود باز رسان ملاک بر نام و او با هد شرفی و کرام که درین مقام شریف داده اند ما بسای  
 دولت و بانو سعادت هر یک با بلال انبال و شمال طر و جلال راسته داره یا آل العالمین و با فیر التامیر  
 الشیخ النبویه صدر بدر عالمه سرور بین و بنات آدم بابل چمن حکمت ما عدلیب آیدان شریعت  
 آن فواید که کار موافقت ایوب را در خانه و وفا محتاج دعا پس گشت و او بر سر خاک بگامی نشست که هلقم  
 از زلفش بر سر سلطان کاه مقامت سلطان انظار است از راه اندیشه که عذرت نماز تعالی است

دوره جدید سال چهارم، شماره دوم و پنجم، تابستان و پاییز ۱۳۸۵ (پیاپی ۳۴۳۳)

بجز اینها  
 از سرگذشت کارکنان پادشاه رسیده

گرفت چون این ضعیف از کاغذ ایشان این کاغذشان از این ده و فلان از این ده جمله ملا  
 روکشگان ما را با تمام از لاله رحمت برعهه این ده در رسم سهی ده ما را از  
 کتاب و آنرا که سحر کرد با و ده و آنرا که امنای کند و آنرا که با طبع ششم و رتبا  
 و رتبا و رتبا در جرم جرم در عظیم در جسم اصغف و کرم رتبا و رتبا و رتبا  
 بر در تمام این روی سیاه دست شرم رتبا و رتبا و رتبا در جرم ما را  
 تو عظیم در ندانم ناگرم جرم ما را که عظیم است عنون تو اعظم از او  
 معصیت که کرده شد با لطف و عنوت کرده ام  
 با حدت علی التمام و لرسوله فضل التمام و قدوع  
 ما نواع من نیتقنده الشیخ الشریفة المبارکة  
 ما استقامت بتفسیر الکتابت و قد تعف  
 التبارک و اواسط قوم الهم  
 لبسته مع عنون  
 علی بدید  
 الضعیف العبد

صفحه آخر از نسخه حمیدیه

در جستجوی نسخ / لطایف التفسیر





Handwritten notes in the top right margin, including the name 'محمد باقر' and other illegible script.

بسم الله الرحمن الرحيم لطائف قاصد كتاب فضل معاني السيرة...  
ارزوي مال لم يند انه بسم الله هو انتره المباحه الموحجانه ان معنود شاهان وائل تجود باو شاه  
ان ونا در سر صعيقتان وائل سر كبر جيفان به ان مقصود همت بلند ان من مقصود اول بياز سده  
ان نذر فدا سره در فادان وائل ارزين نرها . كارل . امديدن كناه . كارل كنه زده اده  
ار كود . خود سماء خود من در كيو خيز ستر سار ك . سار زده در بونا كود و محرم جسر اميد وار ك  
ان ميزان ان كشي اصل مختا جان ننگ كرون فرود . و كل با صل نجات نرسيدن او ال صدر ان جان نجان  
در نادم طلال بو فرو تون و كل بگو بر او نارسيدن . ان كار ساد و لائيت از نوگان و سلسله  
فرجاد و عاقبات بر آسمان رسيدن . حق ترا صد خوانم بحر امكوم . ال نهر كده شج كار لكان رسا  
من شاو كل كبر بر من هم نپدا نيت كره . ار كوتنه در كده شج با اسجوا رسيدن كرم متزان در كاه  
و تعطيل و لغات صهرت بار كاهت كه هر كاه ابان تيناب و اسرار احاد نيت سيدنا دات  
بروز كار كانه نيل و معان در رسا ن شر ايت صلوات و لطايف نجات عذرا سوره كاسا  
وضع سعادت صدر اجم اصفا كه مصطفا و لملر كوان . ارواح بها جبر احبا و عشا  
دش بچه كجاز نيم شرم عمر ار فار الزار اسون فارتعمال است را بنهد ابا ال با نيت و عطا نايح  
مخوس كركان كرم بود كانه نيل و كعمون ساسد كان با سرف كل كرم عميق كه ساد  
متان و معار ندا با حصول مطالب با عترت عت بر حقو ناز رسا ن اكار انا م و اماه  
شرف كرام كه درس معام شريف فانه اند متان دولت و با نيت سعادت نيك را بنزل الله  
و شمان عتر و طلال ار اشته خيز نا ابا العالم و با خالصه صبر . التبت الس  
صدر و بدر عالم سرور ستر و سيات ادم نيل نيت كنه عتد لس اشته خيز عت ان خوله كه  
بواقف ايوب را در خانه و فاعفاه و عالمي لنود و در سرفا ك كان لئسبه كه اللهم ار و  
عشر هفا لئسره كاه فقاومت سليمان را اطي ان ملك از بر ال او زرين نره كه عرضت عال نطا كه

Vertical handwritten notes on the right margin, including the name 'محمد باقر' and other illegible script.

